

تاریخ نبیل زرنندی

دکتر وحید رافتی

از نظرگاه اهل بهاء کتاب تاریخ نبیل اعظم زرنندی موثق‌ترین و یکی از مفصل‌ترین تواریخ شناخته شده ظهور و وقایع دیانت بانی و بهائی است که به وسیله یکی از پیروان شیدائی و ثابت قدم امر بهائی یعنی جناب محمد نبیل اعظم زرنندی به رشته تحریر درآمده است. این کتاب در ایام اقامت نبیل زرنندی در مدینه، عکاً مرقوم شده و تاریخ شروع کتابت آن بنا به قول نبیل که ذیلاً نقل خواهد شد در ماه ذی‌قعدة سنه ۱۳۰۵ ه. ق. (۱۸۸۸ م.) بوده است. نبیل تحریرات اولیه خود را در ۱۹ جمادی الاول سنه ۱۳۰۷ ه. ق. (۱۲ ژانویه ۱۸۹۰ م.) تمام نموده و پس از مراجعات و اصلاحات بعدی بالاخره در ۲۶ ربیع الاول سنه ۱۳۰۸ ه. ق. (۱۰ نوامبر ۱۸۹۰ م.) آن را تکمیل کرده و به اتمام رسانده است. مسوده خطی تاریخ نبیل که به خط نویسنده آن در مرکز جهانی بهائی در حیفای محفوظ می‌باشد حاوی ۱۰۱۴ صفحه است و هر صفحه آن به طور متوسط شامل ۲۲ تا ۲۴ سطر می‌باشد و اندازه صفحات کتاب ۲۱ × ۲۵ سانتی‌متر است.^۱ نبیل صفحه اول کتاب خود را با نقل عبارتی از جمال قدم که در یکی از الواح صیام عزّ نزول یافته شروع نموده که می‌فرمایند: «ترانی یا الهی متمسکاً باسمک الاقدس الانور الاعزّ الاعظم العلیّ الابهی و متشبثاً بذیل تشبث به من فی الآخرة و الاولى.»

سپس به نقل ادعیه، دیگری از آثار جمال قدم پرداخته و صفحه اول را با این سه بیت به اتمام رسانده است:

دانه بگشاده دهان سوی سما تا بیاید بر وی از فضلت بها
قطره‌های رحمتت بر وی ببار ای ملیک عرش و ای میر دیار
زانکه در فضلت نباشد شبهه‌ای بهر ما بریند ز لطف توشه‌ای
مطالب صفحه دوم تاریخ نبیل تماماً به شعر است و او چگونگی آغاز نگارش تاریخ خود را

چنین شرح می‌دهد:

صفحه اول درین سفر عدم
از کلام اقدس اعلاّی تو
که مبارک گردد این دفتر همه
صبح جان‌بخشای این یوم الفضال
سادس و عشرین بد از رومی تموز
آخر ذی قعد غین و شین ها
محفلی دیدم که رخشان آفتاب
مجلسی کز جذب وی روح الامین
دوست بر کرسی عزت مستوی
و آن جهان‌کهنه را همچون سجل
قلب من در ناله کی نعم الحسیب
گر نیم قابل که شهبازت شوم
از عنایت ای سلیمان وری
تا به قدر خویش چون توحید مور
گوئیا از مالک یوم الحساب
چونکه شه را سوی عرش آمد صعود
خادم اللهم بفرمود از صفا
آنچه واقع گشته است از سال شصت
کن توکل بر خدا و جمع ساز
عرض کردم کاندین بحر قدر
جز به امر و اذن سلطان قدم

شد مزین ای شهنشاه قدم
از لسان الطف احلاّی تو
جان‌فزا از فاتحه تا خاتمه
که کمالش نام از شهر الکمال
شمس در قلب الاسد عالم‌فروز
قسمتم شد قرب سلطان بها^۲
خویش را معدوم دیدی در حساب
می‌ندانستی یسارش از یمین
منبسط فرموده آفاق نوی
سر بسر پیچیده و افکنده به گل
زین جهان نو مسازم بی‌نصیب
تا به ساعد محرم رازت شوم
در بساط خویش موری کن مرا
ناطق آیم بر ثنایت ای غفور
گشت مورانه دعایم مستجاب
خادم خود را مجیر من نمود
که ندارد عمر جسمانی وفا
آنچه بر صدق وقوعش هست دست
غم مخور یارت بود دانای راز
آسمان‌ها چون حساب آید هدر
هیچ نتوان زد ازین منوال دم...

چنانچه از این ابیات به وضوح بر می‌آید میرزا آقا جان خادم الله تحریر تاریخ وقایع ظهور را از سنه شصت به نبیل زرنندی پیشنهاد نموده و نبیل انجام این امر را به اذن و اجازه جمال قدم موکول می‌نماید و در بقیه ابیات این صفحه که فقراتی از آن در نسخه مطبوعه لا یقرء است نبیل زرنندی شرح می‌دهد که روزی آقا محمد حناساب^۳ از جانب میرزا آقا جان خادم الله پیام آورد که جمال اقدس ابهی^۴ اذن فرموده‌اند که نبیل زرنندی به تحریر تاریخ امر مشغول شود. نبیل سپس در صفحات سوم تا پنجم کتاب خود شرحی درباره حروف مقطعه قرآنی و مباحثی درباره علم حروف مرقوم نموده و مقصودش از توضیح این مسائل عمده آن بوده است که توجه خوانندگان را به جلالت اسم و لقب حضرت بهاء الله جلب نماید و اهمیت حروف «بهاء» و «حسین» را بر اساس احادیث اسلامی و نقش حروف را در کلمات و آیات قرآنی واضح و مبرهن نماید. نبیل سپس در صفحه ششم کیفیت شروع نگارش تاریخ خود را به نثر چنین شرح داده است:

«به عنایت الهی و فضل نامتناهی چنین معلوم می‌شود که این کار بسیار مبارک و سزاوار و مطرّز به طراز رضای جمال مختار است چه که دیروز که مبداء بنیانش بود بعد از فوز به اکواب جمال که از عرش افضال غنیّ متعال نازل شد گفتگویی در تحت العرش به میان آمد و بعد از ورود به منزل اذن مبارک با پیک امین از نزد خادم [یکی از خادمان] ربّ العالمین نازل شد که به مبارکی مشغول شود. در همان ساعت امتثالاً لامره العظیم و تیمناً باذنه الکریم ابتداء نمودم و صفحه اول را از کلمات مبارکات که در مقام مناجات بود مزین نموده و صفحه ثانی را در بیان همان مجلس و گذارش [کذا] آن در چند بیت مثنوی به انتها رسانیدم و امروز که یوم ثانی بود باز به دربار عظمت و مکن عزّت شرف حضور ارزانی شد...»

سپس به دنباله، مطالب فوق در صفحه هشتم کتاب پیش‌گفتار خود را چنین به رشته تحریر کشیده است:

«انشاء الله به تأییدات ربّانی و توفیقات سبحانی در نظر است که دیباجه این نامه به مقدمات ظهور که از لسان نورین الانورین و نجمین الالمعین حضرت الشیخ الاعظم الشیخ احمد الاحسائی و السید الاکرم السید کاظم الجیلانی علیهما من کلّ نور انوره و من کلّ ظهور اظهروه و من کلّ سمو اسماء و من کلّ علو اعلاه به ظهور پیوسته [بروز یاقته] آراسته گردد و از سنه مبارکه، ستین الی یوم یقوم الناس لربّ العالمین وقوعات معظّمه و مشهوره هر سالی جداگانه مرقوم شود؛ در بعضی مقامات به تفصیل و در بعضی به اجمال اکتفاء شود و از ذکر اسامی جمیع شهداء چون این فقیر دست خود را قصیر می‌بینم لذا از آن به ذیل اعتذار متشبّثم و از سنه مبارکه، تسع تا امروز نیز که هزار و سیصد و پنج است در هر سالی انشاء الله امور معظّمه، مشهوده ذکر می‌شود و آنچه را خود بوده و دیده‌ام از لسان خود و آنچه را که از نفس طاهر مطهّری شنیده‌ام از لسان او مذکور می‌دارم. اکثر مسموعات این فقیر که به صدق آن اعتماد دارم از زبان جناب میرزا احمد کاتب قزوینی الّذی استشهد فی سبیل مولاه و از زبان جناب ذبیح الله العظیم الجلیل جناب آقا سید اسماعیل و از زبان جناب شیخ حسن زنوزی و جناب شیخ ابوتراب قزوینی و از لسان شکرشنان حضرت کلیم علیه و علیهم کلّ ما ینبغی و یلیق لکنوز عطاء ربّهم العزیز الکریم می‌باشد. رجا از فضل محبوب عالمیان است که از موارد خطا و نسیان در پناه حفظ و حراست مصون و محفوظم فرماید آته قریب مجیب.»

بعد از این مطالب نبیل به تحریر متن کتاب تاریخ خود پرداخته و قضایای ظهور شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی و وقایع ظهور حضرت ربّ اعلیٰ و جمال اقدس ابهی را به رشته تحریر درآورده است.

آنچه به تاریخ نبیل اهمّیت و وثاقتی عظیم می‌بخشد و آن را از سایر متون تاریخی ممتاز می‌سازد آن است که متن تاریخ نبیل به نظر جمال قدم و حضرت عبدالبهاء رسیده است. نبیل خود در مقدمه تاریخ خود چنین تصریح نموده است:

«... شکر خداوند را که مرا به نگارش این اوراق تأیید فرمود و آن را به این موهبت متبارک و مشرف ساخت که حضرت بهاء‌الله بنفسه الجلیل تفضل و عنایت فرمودند و این اوراق را مراجعه نمودند. میرزا آقا جان کاتب وحی در حضور مبارک این اوراق را قرائت نمود و به رضا و قبول هیکل مقدّسش فائز و مفتخر گشت. از خدا خواهم که به نصرت و هدایت خود مرا از اشتباه و خطا در اجرای این مقصود مهمّ محافظه فرماید و به اتمامش تأیید نماید.»^۴

کیفیت و جزئیات این قضیه که چگونه این اثر مورد «مراجعه» طلعات مقدّسه بهائی قرار گرفته البته معلوم و مشخص نیست اما از متن تاریخ نبیل که فقره‌ای از آن ذیلاً نقل می‌شود چنین پیداست که نبیل متدرّجاً و به تفریق آنچه را که می‌نوشته برای جمال اقدس ابهی^۵ ارسال می‌داشته و میرزا آقا جان خادم الله اوراق واصله را در محضر مبارک قرائت می‌نموده و سپس نبیل در جریان نظریات آن حضرت قرار می‌گرفته است.

نبیل در موضعی از تاریخ خود که قضایای شهادت شهدای سبعة، طهران را در سنه ۱۲۶۶ هـ. ق. (۱۸۵۰ م.) شرح می‌دهد در تاریخ خود چنین می‌نویسد:

«... نگارش من که به اینجا رسید قسمتی را که فراهم شده بود به حضور حضرت بهاء‌الله تقدیم کردم. هیکل مبارک با کمال لطف و مرحمت مرا احضار فرمودند و به برکات خویش سرافراز ساختند. من در سجن عکا در جوار منزل جناب کلیم منزل داشتم که حضرت بهاء‌الله مرا احضار فرمودند. روزی که به حضور مبارک مشرف شدم هفتم ماه ربیع الثانی سال ۱۳۰۶ هجری بود. من هیچ وقت آن روز را فراموش نمی‌کنم و در این مقام آنچه را که در حین تشرّف از لسان عظمت شنیدم و بیان فرمودند می‌نگارم...»^۵

نبیل پس از ذکر جریان فوق و تشرّفش به حضور جمال قدم در چند صفحه به نقل بیانات شفاهیه آن حضرت که در حین تشرّف او درباره کیفیت استخلاص حضرت طاهره از سجن قزوین و وقایع بدشت بیان فرموده بوده‌اند پرداخته و سپس به تکمیل قضایای واقعه شهادت شهدای سبعة، طهران مبادرت نموده است. اگر توضیح نبیل درباره ارسال تاریخ خود به حضور جمال قدم و کیفیت عکس العمل آن حضرت که فوقاً نقل شد به عنوان نمونه‌ای از طرز کار نبیل و کیفیت مراجعه جمال قدم به مندرجات تاریخ او در نظر گرفته شود می‌توان چنین پنداشت که حضرت بهاء‌الله پس از استماع تاریخ نبیل که میرزا آقا جان خادم الله آن را در محضر مبارک قرائت می‌نموده به تذکر مطالب ساقطه و احیاناً شرح و توضیح نکات کلّیه در جریانات تاریخی امر مبارک می‌پرداخته ولی در کیفیت درج جزئیات مطالب و یا جرح و تعدیل و تزئید و تنقیص مندرجات کتاب به قصد تصحیح و تهذیب آن مداخله‌ای نمی‌فرمودند. عواملی که این استنباط کاملاً شخصی و خصوصی را می‌تواند تأیید کند میزان ثقه جمال قدم به دانائی و بصیرت و صمیمیت نبیل زرنندی است. دامنه چنین اعتمادی که می‌تواند به اعطاء آزادی کامل در شرح مطالب تاریخی کشیده شود هم به روح آزاداندیشی و حریت قلم در امر مبارک مقرون است و هم با شخصیت متعالی نبیل

زرنندی که تا تاریخ نگارش تاریخ خود بارها مصدر ایفای وظائف و مسئولیت‌های خطیره، مهمه بوده تطابق کامل دارد.

از طرف دیگر در آثار مبارکه، بهائی اشاره‌ای به نظر حقیر نرسیده است که مدل بر ملاحظه، دقیق تمام مندرجات کتاب تاریخ نبیل به وسیله جمال قدم باشد چه اگر چنین امری واقع شده بود و جمال اقدس ابهی کتاب تاریخ نبیل را از هر جهت ملاحظه و تصویب نموده و بر جمیع شئون آن صحه، تام گذاشته بودند حضرت ولی امرالله برای تنقیح و تلخیص و تبویب آن لزومی ملاحظه نمی‌فرمودند. اما واقعیت آن است که آن حضرت از هنگام ترجمه نسخه، مسوده، تاریخ نبیل کاملاً لازم و جائز دانستند که به تنقیح و تنظیم این اثر پردازند و با حفظ اصالت کامل آن، اثری مبوب و مدون و منسجم به عالم غرب عرضه فرمایند.

نبیل هرچند به معنی واقعی کلمه «مورخی» تحصیل کرده و عالی مدرسه دیده نبوده اما از هوش سرشار برخوردار بوده، با تاریخ و فرهنگ اسلامی آشنائی دقیق داشته، با قرآن و ادب عربی و فارسی به خوبی آشنا بوده، به احادیث و معارف اسلامی و معتقدات مسلمین کاملاً احاطه داشته، با وجوه اهل علم و نظر در ارتباط و تعاطی افکار بوده، با آثار و آراء و معتقدات حضرت ربّ اعلیٰ کاملاً مانوس بوده و از فجر ظهور جمال قدم با آن حضرت و اعضای عائله مبارکه در ارتباط مستقیم بوده و همه این عناصر و عوامل پشتوانه‌ای عظیم و غنی و بی‌نظیر برای او جهت تحریر تاریخ امر عظیم الهی فراهم نموده بوده است.

بنا بر این آنچه در تاریخ نبیل زرنندی از اهمیت و فیر برخوردار است در مرحله اول مراتب اعتبار و ایمان و علم و صداقت نویسنده آن است که هم در احوال و سوانح ایام او متجلی است و هم در آثار عدیده، نازله از قلم اعلیٰ به آن شهادت داده شده است.

مطلب دیگری که نبیل زرنندی را در تاریخ امر مبارک بی‌نظیر می‌سازد میزان دسترسی وسیع او به منابع اولیه، اساسیه برای نگارش تاریخ دو عهد اول عصر رسولی یعنی عهد اعلیٰ و عهد ابهی است. چنانچه در شرح حال نبیل زرنندی که در همین کتاب به طبع رسیده ملاحظه می‌شود او در بیست سال اول حیات روحانیش دائماً در سیر و سفر و ملاقات و مذاکره با افراد و جوامع بهائی بوده و پیوسته با مرکز امر نیز ارتباط مستقیم داشته و به این ترتیب با شاهدان عینی بسیاری از وقایع و کثیری از نفوس سرشناسی که در تاریخ امر مبارک نقشی داشته‌اند و یا منسوبین و آشنایان بلافصل آنان مستقیماً در ارتباط بوده و در اثر این تجربیات و با استفاده از این منابع موثقه، اولیه تاریخ خود را به رشته تحریر کشیده است. در شرحی که از پیش‌گفتار نبیل نقل شد اسامی بعضی از این نفوس ارائه شده و نفس ذکر نام این افراد و عباراتی نظیر «آنچه را که از نفس طاهر مطهری شنیده‌ام» نشان‌دهنده آگاهی و بصیرت نبیل به حساسیت نوشتن تاریخ و احساس اهمیت خطیر مشروعی بوده که به انجام آن پرداخته است. از طرف دیگر پیش‌گفتار او این مطلب را روشن می‌سازد که تاریخ نبیل شامل هرچه شنیده نیست بلکه زبده مسموعات خود را از نفوس «طاهر مطهر» که به «صدق آن اعتماد» داشته ثبت و ضبط نموده است.

تاریخ نبیل زرنندی هم از نظر شرح و بسط متوالی وقایع مهمه، تاریخی امر و هم از نظر

توصیف جزئیات وقایع خاصی نظیر واقعه بدشت و یا کیفیت شهادت حضرت ربّ اعلیٰ حائز اهمیت و اعتبار مخصوص است. با این همه ابداً جای شك نیست که در مطالعات و تحقیقات علمی و وسیعی که در جزئیات وقایع تاریخ امر بهائی صورت می‌گیرد باید آثار مبارکه، نازله از اقلام طلعات مقدّسه، بهائی، منابع و مدارک و اسناد سایر و ابیات و آثار دیگر نبیل زرنندی که وفیر و بسیار پراکنده است نیز مطرح نظر مورّخین قرار گیرد زیرا علی‌رغم سندیت و اعتبار بلامنازع تاریخ نبیل، که چنانکه خواهیم دید به کرات مورد اشاره و تأکید حضرت ولیّ امرالله قرار گرفته، تفکر منطقی و استدلالی و ذهن وقاد مورّخ محقق نمی‌تواند زلات و مشاکل موجود در تاریخ نبیل را که راجع به واقعیت نکات تاریخی است نادیده بگیرد. مثلاً واضح است که در ذکر تاریخ شهادت حضرت ربّ اعلیٰ نبیل زرنندی روز یکشنبه بیست و هشتم شعبان سنه ۱۲۶۶ ه. ق. را در تاریخ خود ثبت نموده^۶ در حالی که یوم بیست و هشتم شعبان در سنه ۱۲۶۶ ه. ق. روز دوشنبه بوده است.^۷ همچنین بر اساس مندرجات تاریخ نبیل در کتاب عالم بهائی چنین آمده است که سفر جمال قدم به سلیمانیه در روز چهارشنبه ۱۲ رجب سنه ۱۲۷۰ ه. ق. (۱۰ آپریل ۱۸۵۴ م.) صورت گرفته^۸ در حالی که بر اساس تقاویم تطبیقی آقایان نجم‌آبادی (ص ۱۲۴) و سرلتی (ص ۱۴) روز ۱۲ رجب یا ۱۰ آپریل روز دوشنبه بوده است.

این نوع اختلافات که به علت اختلاف در زمان رؤیت قمر در ممالک و بلاد مختلفه اسلامی و تطبیق گاه‌شماری هجری قمری و هجری شمسی با گاه‌شماری متداول در تقاویم رومی و گریگوری و جولینانی غالباً بروز می‌کند ناگزیر در اسناد و گزارش‌های گوناگون تاریخی نیز انعکاس می‌یابد و امثال این زلات که در دقیق‌ترین مطالعات تاریخی نیز ممکن است رخنه نماید البته ذره‌ای از اعتبار تاریخ جاودانی نبیل نمی‌کاهد.

علی‌رغم مسائلی از این قبیل که در تاریخ نبیل ملاحظه می‌گردد در مکتوبی که از طرف حضرت ولیّ امرالله به تاریخ ۱۷ آپریل ۱۹۳۰ به زبان انگلیسی خطاب به جناب جورج تاونزند (George Townshend) صادر شده تاریخ نبیل با عبارت «مشروح‌ترین و مفصل‌ترین و جالب‌ترین» متن تاریخی امر بهائی توصیف گردیده^۹ و در تلگراف حضرت ولیّ امرالله مورّخ دوم نوامبر ۱۹۳۱ مواد مندرج در این تاریخ با صفات «متنوع، غنی و موقّ» وصف شده است.^{۱۰}

اعتبار و سندیتی این چنین که تاریخ نبیل از آن برخوردار بوده سبب گردید که حضرت ولیّ امرالله شخصاً برای ترجمه آن اقدام فرمایند. با توجه به اینکه حضرت ولیّ امرالله صرفاً به ترجمه آثار و الواح مبارکه، بهائی به زبان انگلیسی مبادرت فرموده‌اند نقش و اهمیت و اصالت تاریخ نبیل در نظر حضرت ولیّ امرالله به حدی بوده که علی‌رغم مشاکل و مسؤلیت‌های عدیده، شدیده، متنوعه، هیکل مبارک به مدت هشت ماه تمام اوقات خود را صرف تنظیم و تدوین و تحشیه و ترجمه این اثر فرمودند و کتابی در نهایت نفاست و غایت اهمیت به جامعه اهل بهاء عرضه نمودند.

کار ترجمه کتاب تاریخ نبیل به زبان انگلیسی در سال ۱۹۳۰ م. آغاز شد و مسوده ترجمه انگلیسی به تدریج برای لیدی بلامفیلد (Lady Blomfield) و جورج تاونزند ارسال گردید تا آن

را مطالعه و نقادی نمایند .

ترجمه، کتاب که از حدود آپریل ۱۹۳۰ آغاز شده بود در اواخر سپتامبر ۱۹۳۰ به اتمام رسید و مسوده، اولیّه در ماه‌های آخر سنه، ۱۹۳۰ مورد مراجعه و بررسی‌های مجدد قرار گرفت و سرانجام در ژانویه ۱۹۳۱ به مراحل نهائی آمادگی خود رسیده، در اواخر فوریه، سنه ۱۹۳۱ برای طبع آماده شد و نسخه، نهائی کتاب که در ششصد صفحه آماده شده بود در اواسط مارچ ۱۹۳۱ برای طبع به امریکا ارسال گردید و در فوریه، سال ۱۹۳۲ م. در ۶۸۵ صفحه متن و ملحقات که با احتساب مقدمه و سایر منضمات به ۷۳۶ صفحه بالغ می‌شود در دو هزار نسخه انتشار یافت^{۱۱} و یکصد و پنجاه نسخه، مخصوص نیز به صورت لوکس با کاغذ و جلد چرمی اعلیٰ و طلاکوب تهیه گردید تا با امضای حضرت ولیّ امرالله برای عرضه به نفوس مخصوصه مورد استفاده قرار گیرد.^{۱۲}

برای آنکه خوانندگان غربی کتاب با سابقه و شرائط ظهور حضرت ربّ اعلیٰ آشنائی کامل حاصل نمایند حضرت ولیّ امرالله در نظر گرفتند که مقدمه‌ای جامع برای این کتاب تهیه فرمایند و با تعیین جزئیات نکات و کیفیت طرح و توصیف مطالب، تهیه، مقدمه، مورد نظر خود را به ایادی امرالله جناب جورج تاونزند محوّل فرمودند. ایشان که به حیات مذهبی و فکری غرب و اذواق خوانندگان غربی کتاب کاملاً آشنائی داشتند مقدمه‌ای برای ترجمه، انگلیسی کتاب تاریخ نبیل به نحوی که جالب اذهان و اذواق غربیان باشد و آنان را برای درک بهتر متن کتاب مساعدت نماید به رشته، تحریر درآوردند که مقدمه، مزبور پس از ملاحظه و تصویب حضرت ولیّ امرالله در صدر ترجمه، انگلیسی تاریخ نبیل به طبع رسیده است.^{۱۳}

همینطور برای آشنائی دقیق‌تر غربیان با مندرجات کتاب، حضرت ولیّ امرالله صلاح در آن دیدند که مطالب مناسب و مفید دیگری را از آثار مستشرقین و سیّاحان و مأمورین رسمی در دوائر حکومتی استخراج و به صورت پاورقی در کتاب انگلیسی تاریخ نبیل طبع فرمایند تا هم مطالب متن کتاب را شرح و تفصیل دهد و هم مباحث مطروحه به وسیله، نبیل زرنندی را هرچه بیشتر مستحکم و مستند نماید.^{۱۴}

حضرت ولیّ امرالله در بین اوراق متعلّق به حضرت عبدالبهاء بیست فقره از توابع مبارکه، حضرت ربّ اعلیٰ را که هجده فقره از آنها خطاب به حروف حی و یکی از آنها خطاب به نفس مبارک و فقره، اخیر آن خطاب به من یظهره الله عزّ نزول یافته ملاحظه فرمودند که کلاً به خطّ حضرت باب تحریر و به مهر مبارک آن حضرت مهور گردیده است. پس از ملاحظه، این توابع حضرت ولیّ عزیز امرالله نشر این آثار نفیسه، ثمینه را مناسب دانسته و برای تیمن و زینت ترجمه، انگلیسی کتاب تاریخ نبیل متن این توابع را نیز عیناً در صدر کتاب گراور فرمودند.^{۱۵} به این ترتیب کتاب تاریخ نبیل زرنندی با عنوان انگلیسی *The Dawn-Breakers* (مطالع الانوار) که جناب جورج تاونزند پیشنهاد نموده بودند در بیست و شش فصل و یک خاتمه انتشار یافت. بنا به امر حضرت ولیّ امرالله کتاب به قطع و اندازه، مجلدات کتاب *عالم بهائی* (۱۶ × ۲۴ سانتی‌متر) و با جلد سبز یشمی که نشانه، سیادت حضرت ربّ اعلیٰ می‌باشد به طبع رسید و چون این اثر اصولاً به تاریخ فجر ظهور حضرت ربّ اعلیٰ اختصاص یافته روی جلد کتاب با تصویری از خورشید که با

رنگ طلائی در حین طلوع است مزین گردید و تصویری از ضریح داخلی مقام مقدّس حضرت ربّ اعلیٰ نیز در صدر کتاب قرار گرفت و با درج فهارس لازمه و شجره‌نامه، حضرت باب و نسب‌نامه، سلسله، قاجاریه و سایر ضمائم و ملحقات مفیده منتشر گردید.

برای حصول نفاست و مرغوبیت بیشتر، حضرت ولیّ امرالله مقرر فرمودند که حدود دوپست تصویر از تصاویر مربوط به اماکن تاریخی امر نیز که با حیات حضرت ربّ اعلیٰ و جمال اقدس ابهی و باسلان عصر رسولی مرتبط بود و قسمت اعظم آنها را خانم افی بیکر (Effie Baker) تهیه نموده بود در مواضع مخصوص در کتاب به طبع رسد.

حضرت ولیّ عزیز امرالله ترجمه، این اثر نفیس را به خانم اهل بهاء حضرت ورقه، مبارکه، علیا اهداء فرموده و منافع حاصله از فروش کتاب را به بنای مشرق الاذکار بهائی در ویلمت اختصاص دادند.

مقصد اصلی حضرت ولیّ امرالله از ترجمه و انتشار تاریخ نبیل در عالم غرب آن بود که علم و اطلاع یاران غربی را نسبت به تاریخ سنین اولیّه، امر بایی و بهائی افزایش دهند و به این وسیله بر مراتب شوق و ذوق و ایمان آنان بیفزایند و از قلم کسی که خود تجربیات این دوره، خطیر را با تمام وجود احساس نموده و در معرض تحولات و انقلابات آن بوده و وقایع ایام فجر ظهور را ارائه دهند تا احبای غرب که سلاله، روحانی باسلان و رسولان آن دوره‌اند بتوانند در مقابل امتحانات و افتناناتی که جامعه، بهائی را در معرض حملات خود قرار می‌دهد به طور مؤثر ایستادگی کنند و با همان روحیه‌ای که در اسلاف روحانی آنان وجود داشته به خدمت و عبودیت در سبیل تحقّق اهداف امر مبارک قیام نمایند.

کتاب تاریخ نبیل با این نیات و مقاصد شریفه، مبارکه پس از انتشار با استقبال جامعه، غرب روبرو گردید و هیکل مبارک حضرت ولیّ امرالله ترجمه، آن را به السنه، دیگر تشویق نمودند^{۱۶} و در توایع عدیده، خود مطالعه، این اثر نفیس را برای تقویت بنیه، ایمانی و کسب اطلاعات دقیق تاریخی و حصول جرأت و شهامت در اقدامات تبلیغی بارها توصیه فرمودند.

حضرت ولیّ امرالله همچنین تاریخ نبیل را در زمره، موادی که باید در مدارس تابستانه، بهائی تدریس و مطالعه شود محسوب داشتند و حتی، پیشنهاد فرمودند که فقرات مناسبی از این کتاب در برنامه، ایام محرّمه، بهائی مورد مطالعه، یاران الهی قرار گیرد.^{۱۷}

پس از انتشار کتاب تاریخ نبیل به زبان انگلیسی ایادی امرالله جناب عبدالجلیل بیک سعد این اثر را از انگلیسی به زبان عربی ترجمه فرمودند که تحت عنوان مطالع الانوار در سال ۱۹۴۰ م. در ۵۵۲ صفحه در مصر طبع و انتشار یافت.^{۱۸}

پس از انتشار کتاب مطالع الانوار جناب عبدالحمید اشراق‌خاوری این اثر را از عربی به فارسی ترجمه و تلخیص فرمودند که تحت عنوان مطالع الانوار- تلخیص تاریخ نبیل زرنندی بارها به طبع رسیده و در بین یاران فارسی‌زبان کاملاً مشهور و مطالعه، آن متداول و معمول است.^{۱۹} هرچند عمده، مطالب تاریخی کتاب نبیل زرنندی که مربوط به دوره، جمال قدم می‌باشد به وسیله، حضرت ولیّ امرالله دقیقاً استخراج و به صورتی منقّح و مدوّن و منظم در کتاب قرن بدیع

God Passes By) مفصلاً انعکاس یافته اما شك نیست که اصل تمام تاریخ نبیل زرندی به فارسی و ترجمه انگلیسی تمام آن که کاری بس خطیر و حجیم و مشکل است باید روزی به دست طبع و نشر سپرده شود و این اثر سترگ تاریخی در اختیار علاقمندان قرار گیرد. چنین مشروع عظیم و پُراهمیتی البته باید با توجه به مندرجات الواح و آثار مبارکه و رسائل و مدارک تاریخی سائره و مخصوصاً آثار منظوم و منشور دیگر نبیل زرندی که مملو از مطالب تاریخی است به دست اجراء سپرده شود و با حفظ اصالت و تمامیت کامل تاریخ نبیل زرندی تطبیقات تاریخی و مطالب سودمند مأخوذ از سایر منابع به صورت پاورقی‌ها و ضمائم مختلفه در کتاب انعکاس یابد.

یادداشت‌ها

۱- عین صفحات اول تا نهم و صفحات ۱۰۱۲، ۱۰۱۳ و ۱۰۱۴ مسوده، خطی تاریخ نبیل زرندی در انتهای رساله مطالعه معارف بهائی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۴ ب.)، جزوه هجدهم که به قلم آقای صدی نوابزاده اردکانی تحت عنوان «مطالبی درباره تاریخ نبیل زرندی» انتشار یافته گراور گردیده است. مطالبی که ذیلاً از تاریخ نبیل نقل می‌گردد از این مأخذ است. برای ارائه نمونه خط جناب نبیل زرندی چهار صفحه اول تاریخ او را از مأخذ فوق در انتهای این مقاله گراور می‌نماید.

۲- یوم الفضال مطابق تقویم بیانی یوم سه‌شنبه است و یوم کمال مطابق همان تقویم روز هشتم ماه بیانی است. بنا بر این شروع تحریر تاریخ نبیل در یوم سه‌شنبه ۸ شهر الکمال بوده که بنا به قول نبیل با ۲۶ ماه تموز (جولای) رومی و آخر ذی‌قعدة سنه «غین و شین‌ها» (۱۳۰۵) مطابق بوده است. تقویم آقای احمد نجم‌آبادی موسوم به تقویم یکصد و پنج ساله (طهران: شرکت سهامی تحریر ایران، ۱۳۳۴ ه. ش.، ص ۱۵۹) و تقویم آقای حسام سرتلی موسوم به تقویم تطبیقی یکصد و چهل و یک ساله (طهران: زوار، بی‌تاریخ، ص ۴۸) چنین نشان می‌دهد که روز آخر یعنی روز ۳۰ ذی‌قعدة سنه ۱۳۰۵ ه. ق. روز پنج‌شنبه و با ۹ اگست سنه ۱۸۸۸ م. مطابق بوده است، در حالی که در کتاب تقویم ۱۲۵ ساله برای تطبیق ایام سال‌های قمری و شمسی و میلادی (طهران: وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۴۳ ه. ش.، ص ۱۰۰) روز ۳۰ ذی‌قعدة سنه ۱۳۰۵ با روز ۱۰ اگست سنه ۱۸۸۸ م. تطابق یافته است. این مشاکی که در کتب تطبیق تقاویم وجود دارد و نمونه‌های دیگری از مشاکی ثبت تاریخ وقایع که در تاریخ نبیل به چشم می‌خورد در متن مقاله مورد بحث قرار خواهد گرفت. آنچه در تحقیقات بعدی باید روشن شود آن است که اصولاً نبیل زرندی تحویل شمس به برج حمل را برای شروع سال بیانی به چه افقی در نظر می‌گرفته و شروع ماه‌های قمری را بر اساس رؤیت قمر در کدام یک از بلاد اسلامی ملاک قرار می‌داده است.

۳- شرح احوال جناب آقا محمد حناساب به تفصیل در کتاب حضرت عبدالبهاء موسوم به تذکرة الوفاء فی ترجمه حیاة قدماء الاحیاء (حیفا: عبّاسیه، ۱۹۲۴ م.)، صص ۱۱۸-۱۲۰ مندرج است.

۴- محمد نبیل زرندی، مطالع الانوار- تلخیص تاریخ نبیل زرندی (طهران: لجنه ملی نشر آثار امری، ۱۱۷ ب.)، ترجمه و تلخیص عبدالحمید اشراق‌خاوری، مقدمه مؤلف.

۵- مطالع الانوار، ص ۴۸۸.

6- Muhammad Nabil-i-Zarandí, *The Dawn-Breakers* (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1974), p. 517.

و نیز نگاه کنید به مطالع الانوار، ص ۵۴۸.

۷- نگاه کنید به جدول مندرج در صفحه ۱۰ کتاب تقویم تطبیقی یکصد و چهل و یک ساله اثر آقای حسام سرتلی که در آن روز ۲۸ شعبان ۱۲۶۶ ه. ق. با روز دوشنبه برابر می‌شود. جالب توجه است که مطابق زیرنویس

مندرج در ذیل صفحه ۵۱۷ تاریخ نبیل انگلیسی روز ۲۸ شعبان سنه ۱۲۶۶ هـ. ق. برابر با ۹ جولای ۱۸۵۰ م. تعیین شده و روز ۹ جولای ۱۸۵۰ م. مطابق تقویم آقای سرلتی (ص ۱۰) روز سمشنبه بوده است.

8- *The Bahá'í World* (Haifa: Bahá'í World Centre, 1986), vol. 18, p. 602.

9- David Hofman, *George Townshend* (Oxford: George Ronald, 1983), p. 62.

10- *Bahá'í News*, No. 56, Oct.-Nov. 1931, p. 2.

11- *Bahá'í News*, No. 74, May 1933, p. 12.

12- *Bahá'í News*, No. 53, July 1931, p. 8.

۱۳- برای ملاحظه شرح مطالب مربوط به اقدامات جناب جورج تاونزند و تاریخ نبیل زرنندی به کتاب جورج تاونزند به زبان انگلیسی، صص ۶۲-۶۸ مراجعه فرمائید.

۱۴- مطالبی که از منابع فرانسوی به صورت پاورقی در کتاب تاریخ نبیل انگلیسی نقل شده به وسیله خانم امیلی مکبراید پریگور (Emily McBride Périgord) به انگلیسی ترجمه و تحت عنوان *Translation of French Foot-Notes of the Dawn-Breakers* برای اولین بار در سال ۱۹۳۹ م. به طبع رسیده و بعد از آن نیز مکرراً تجدید طبع گردیده است.

۱۵- در فهرست تصاویر که به وسیله هیئت نشر کتاب تاریخ نبیل تهیه و در صفحه xvii کتاب انگلیسی تاریخ نبیل به طبع رسیده مخاطب تمام بیست توفیق اشتباهاً حروف حی تعیین شده به این معنی که مخاطب آخرین توفیق را «بیستمین حرف حی» نوشته‌اند در حالی که مخاطب توفیق بیستم باید «من ینظره الله- حضرت بهاء الله» قید می‌گردید. در هر حال حروف حی مطابق ارزش عددی کلمه «حی» فقط هجده نفر بوده‌اند و حضرت ربّ اعلیٰ نیز خود حرف نوزدهم در واحد بیانی محسوبند که مرکب از عدد نوزده است. تا آنجا که این عبد می‌داند نقیصه فوق در طبع‌های بعدی کتاب مطالع الانوار مرتفع خواهد گردید.

۱۶- تا آنجا که بر این عبد معلوم است تاریخ نبیل زرنندی به طور کامل تا کنون به پانزده زبان ترجمه گردیده و تلخیص و یا منتخباتی از مطالب آن به بیش از دوازده زبان دیگر نیز ترجمه شده است.

۱۷- برای ملاحظه نمونه‌ای از نصوص مبارکه در این مواضع از جمله به تلگراف مورخ دوم نوامبر ۱۹۳۱ م. و تلگراف مورخ ۲۱ جون ۱۹۳۲ م. که به ترتیب در دو شماره زیر از مجله اخبار امری امریکا منتشر شده مراجعه فرمائید:

Bahá'í News, No. 56, Oct.-Nov. 1931, p. 2.

Bahá'í News, No. 64, July 1932, p. 1.

۱۸- شرح احوال جناب عبدالجلیل بیک سعد در کتاب عالم بهائی مندرج است:

The Bahá'í World (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1945), vol.9, pp. 597-599.

۱۹- برای ملاحظه شرح احوال جناب عبدالحمید اشراق‌خاوری به کتاب آقای عزیزالله سلیمانی موسوم به مصابیح هدایت (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲ ب.)، ج ۹، صص ۸-۱۲۲ مراجعه فرمائید.

